



گذری بر زندگی شهیدان کبیری

نویسنده: سمیرا نوروزی

مجله: نوری سمیرا، ۱۳۶۸ -
مجله: نوری سمیرا، ۱۳۶۸ -
مجله: نوری سمیرا، ۱۳۶۸ -

مشخصات نشر: اصفهان: نشر ستارگان درخشان، ۱۳۹۵ -
شماره: ۲-۱، ۴۶۷-۶۰۰، ۹۷۸-۶۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شهیدان، ایران، ماندگاری، خاطرات
ناحیه مقاومت بسیج شهرستان، ایران، کرون
حوزه مقاومت بسیج کوثر خراسان
معاونت فرهنگی اجتماعی



شناسنامه کتاب

عنوان: یکی پس از دیگری و عشق

نویسنده: سمیرا نوروزی

اثر: انتشارات ستارگان درخشان

طراح جلد: صفحه آرای: حاشیه گرافیک

مدیر تولید چاپ: حمید کاظمی

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۸۵

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۶۷-۰۶۱-۲

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال



نشر ستارگان درخشان





۱۱	سخن نویسنده
۱۵	زندگینامه شهید مصطفی کبیری
۲۱	وصیت نامه شهید مصطفی کبیری
۲۵	زندگینامه شهید ابراهیم کبیری
۲۹	وصیت نامه شهید ابراهیم کبیری
۳۳	زندگینامه شهید یوسف کبیری
۳۷	وصیت نامه شهید یوسف کبیری
۴۳	بی باکی
۴۴	مهربانی تمام معرفات
۴۵	ساختمان بیست و نه
۴۶	شرم
۴۷	من جای پسر شما
۴۸	موتور
۴۹	دو متر جا
۵۰	رضایت
۵۱	پدرت پیره
۵۲	صبر جمیل
۵۳	پدر نمونه
۵۴	همرزم زخمی
۵۵	عکس
۵۶	پدر و مادر
۵۷	بهانه
۵۸	کودوم بهتره
۵۹	چاه
۶۰	احکام
۶۱	مزد کارگر
۶۲	شهید ستاد جمعه

۶۳	دل‌تنگی
۶۴	انتظار
۶۵	چرا
۶۶	کلت
۶۷	شیرینی های خانه جدید
۶۸	نور رنگی
۶۹	یادگار
۷۰	قسم
۷۱	خیالم تخت شد
۷۳	حق الناس
۷۴	حساب و کتاب
۷۵	چماق به دست ها
۷۶	بناه
۷۷	استال
۷۸	حساب
۷۹	وظیفه
۸۰	عیب پوشی
۸۱	ادامه تحصیل
۸۲	رافت
۸۳	خواب
۸۴	کارنامه
۸۵	تحمل در سختی ها
۸۶	انس با بچه ها
۸۷	اذان آخر
۸۸	معذرت خواهی مؤلف
۹۰	حرف آخر
۹۳	تصاویر

شهیدان همچون آیه های قرآن مقدس اند.
«امام خامنه ای مدظله العالی»

سخن نویسنده:

بین حرفی که در قلب است تا آوری که نمودش در عمل پیدا است
زمین تا آسمان فاصله است.

بیایید یک کاری کنیم. چشم هایمان را ببندیم و همه در ذهن خود
اینها را مجسم کنیم: جنگ، خونریزی، کشتار، بمب سیمانی، مرگ، سرما،
نارنجک، گرد و غبار، انفجار، وحشت، اسارت، شکنجه، شهادت الکتریکی،
سیاهی، ضجه، آوارگی، داغ دل‌بند، مصیبت، تشنگی مدام بی خرابی های
پیاپی...

و از این طرف هم ما و تنها یک جان، یک نفس، یک زندگی، یک قلب
که اگر آسیبی ببیند دیگر نمی تپد و زندگی... تمام.
ما و شور و لذت سرشار جوانی در سرمان. ما و علاقه قلبی به همسرمان.
ما و لذت بی حساب شیرینی کودکان.





ما و تمایل به زیبایی.

ما و تمایل به آرامش.

ما و تمایل به زندگی و رفاه و راحتی.

و آنطرف: مرزهای کشور ما که در خطر غارت دشمن است، خواهران و

رادرانی که در خطر آوارگی و بردگی اند، ناموسی که در خطر بی حرمتی

ر اسارت است و کودکان بی گناهی که در خطر یتیمی اند.

و سمن ناخوانمردی که درندگی خوی اوست.

بله، شرایط آسوده ایست. آن همه هیجان برای زندگی درست اما خطر ناموس

چه می شود؟؟؟ دین ف (مه (س) و علی (ع) که تمام باورمان است چه؟؟؟

غیرت مردانه می خور. آنها از نوع خالص و بی غل و غش. جوانمردی و

دلسوزی می خواهد اما نه فقط زانی اش. باید مرد میدان باشی، باید مقتدای

تو حسین (س) باشد آنها هم او ایی که در بند بند و بافت بافت وجودت

غلیان کند. این گونه می شود که آسایش دنیایی برای کمرنگ می شود

و آنچه در تفکرت می درخشد، تنها.

نور هدایت علی (ع) است.

و اینگونه چشمه های را می بندی روی تک تک شهاب و دلبستگی هایت.

شیوه حسین (ع) را که در نظر بگیری کودک شیرخوارت همسرت،

جوانت، خواهرت، برادر چون کوه ات، یادگارهای برادرت ۰۰۰ خلاصه هر چه

که داری را با وجود محبت بسیار به آنها فقط با رضایت خدا می خواهی.

چون خداوند ست که برای تو اصل و مبناست.

پس یا علی (ع) می گویی و دنیا را با همه صحنه های فریبنده اش کنار

می گذاری.

یاز هرا (س) می گویی و شهادت را نه تنها بر می گزینی بلکه آرزوی خود قرار می دهی.

آری، «خداوند» که نه به رسم لیاقت بلکه به لطف نامنتهایش مرا در راه پرداختن به زندگی شهدا قرار داده و اعتراف می کنم آن روزهایی که در گیب جمع آوری زندگی شهیدان هستم هیچ گاه بغض رهایم نکرده. بغض خانوادۀ شهداء هم که چیزی طبیعی و دائمی ست. وقتی جگر گوشه ای برود جای خالی اش همیشه خالی ست...

و حالا باورم شده که هر چه چقدر هم کار کنیم حق شهدا به این راحتی ها ادا نمی شود. اگر چه میم روز قیامت برای کاستی هایمان توجیهی بیاوریم خداوند شهید را می آورد نگاه ما باید به حرکت شهداء باشد. حق شهید حق بسیار سنگینی است بر دوش هم ما.

همت خود را بیشتر کنیم و راه نورانی شهداء را پیرو باشیم.

تحمل نبودن انسان های خوب دشوارتر از انسان های عادی ست، همین، داغ شهداء را برای خانواده شان جگر سوزن تر کرده.

فراموش نکنیم در قبال قطره قطره اشک های خانوادۀ شهید مسئولیم، در قبال لحظه تنهایی و ترس همسرانشان، و لحظه غمناکی و بواپسی کمرشکن مادرانشان، همینطور صبوری و لب خاموشی پدرانشان و صد البته درد یتیمی فرزندانیشان.

جای تأسف است که منابع خبری یا غالباً فوت کرده اند یا دچار بیماری های کهنسالی از جمله: فراموشی شده اند و یا این که مدام می گویند: «سال های سال از آن روزها گذشته و جز تصاویری تار و کم، چیزی در خاطرم مانده».





اما من می‌گویم باز هم هزاران بار شکر که گوشه گوشه کشورم با حمایت‌های دلسوزانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تحت عنوان «طرح ستارگان هدایت» در تلاشند تا هر طور شده زندگی شهیدانی که یا به تدوین زندگی آنها پرداخته نشده است و یا کم پرداخته شده، را ثبت کنند. تابیش ازین فرصت را از دست ندهیم، چرا که همین جای بسی شکرگذاری است. مگر نه این که امامان فرمود: زنده نگه داشتن یاد و نام شهدا کمتر از شهادت نیست. پس یا علی می‌گوییم و تا توان داریم با "اقدام و عمل" نام مقدسشان را درخشان تر و در تاریخ مملکتمان بیش از پیش تثبیت می‌کنیم.

«ان شالله»